

رهیافتی بر راهکارهای اجرایی انفاق

در جامعه، از منظر آیات و روایات *

- محمود واعظی^۱
- نجمه ناصری طاهری^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه امروز، مسأله فقر و فاصله طبقاتی زیاد است و با توجه به تهاجم فرهنگی و ترویج فرهنگ فردگرایی و تجمل پرستی، پرداختن به بحث انفاق یکی از مهم‌ترین راه کارهای برون‌رفت از این مسائل است که با آگاهی دادن و فرهنگ‌سازی می‌توان از این مقوله بسیار مهم قرآنی استفاده کرد. گسترش فرهنگ انفاق و آشنایی با آثار فردی و اجتماعی آن می‌تواند از سویی ویران‌کننده بخل و اسراف باشد و از سویی دیگر شکاف طبقاتی اجتماعی را از بین برده و ارزش‌های اسلامی را در جامعه حاکم گرداند... انفاق علاوه بر اینکه یک فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود، باعث تعادل اجتماع و پر کردن شکافهای اجتماعی است و علاوه بر آثار مثبت در زندگی دنیوی و اخروی فرد، در زندگی اجتماعی نیز تأثیر شگرفی دارد به گونه‌ای که حتی در ادیان دیگر نیز به این امر بسیار تأکید و توصیه شده است، ارزش و اهمیت این موضوع به اندازه ای است که قرآن مجید در آیات متعددی به آن پرداخته و آن را توضیح و تبیین

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران (mvaezi@ut.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (n. naseri54@ut.ac.ir).

کرده است، لذا قرآن وقتی سیمای پرهیزکاران را معرفی می‌کند، یکی از اوصاف نیک آنان را انفاق کردن ذکر نموده تا آنجا که در اولین آیات قرآن، خداوند انفاق را از صفات بارز متقین بیان می‌کند: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره ۳/۱)، و حضور آن در کنار ایمان به غیب و اقامه نماز، نشان از اهمیت بسیار والای این فریضه الهی است که باعث نزدیکی و تقرب به خدای متعال است. البته باید در نظر داشت که آنچه در انفاق مورد توجه است منحصر به جنبه‌های مادی و اقتصادی آن نمی‌شود، بلکه جنبه‌های اخلاقی و معنوی آن نیز مدنظر است. تحقیق پیش رو، با روش تحلیلی - توصیفی به تتبع در آیات و روایات پرداخته و بعد از بیان آثار اجتماعی مترتب بر انفاق، راهکارهایی برای گسترش انفاق در جامعه در دو دسته کلی ارائه نموده است، راهکارهای نظری که بیشتر مربوط به مسائل فرهنگی و باورهاست و شامل راهکارهای شناختی - بینشی و راهکارهای انگیزشی است. در راهکارهای شناختی بیشتر تصحیح نگرش افراد نسبت به انفاق و دنیا مدنظر است؛ همچنین تقویت باورهای دینی از جمله راهکارهای شناختی در تحقق و ترویج انفاق است، تشویق، تحذیر، الگوسازی و بیان سیره اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان راهکارهای انگیزشی و اهتمام نقش رسانه‌ها و سازمان‌های مردم نهاد و قدردانی از خیرین و اختصاص ایام خاصی از سال برای انفاق عمومی از راهکارهای عملی بر شمرده شده است.

واژگان کلیدی: گسترش انفاق، جامعه، راه کار، قرآن کریم، روایات

مقدمه

هدف از خلقت بشر، رسیدن به سعادت و کمال بوده و مطابق حکمت خداوند مقرر گردیده که رشد و تعالی در متن جامعه صورت پذیرد و مکتب اسلام به گواهی تاریخ یکی از موفق‌ترین و کارآمدترین مکاتب برای بنیان نهادن یک جامعه سالم به‌شمار می‌رود و در صورت برخوردار بودن جامعه از سلامت کامل پیمودن مسیر سعادت و کمال، آسان‌تر و سریع‌تر خواهد بود، قرآن کریم و مکتب انسان‌ساز اسلام برای این امر راه کارهایی جامع، متناسب و کارآمد اتخاذ نموده است که اگر به شکل صحیح و مطابق دستورات خداوند حکیم به کار بسته شود، یقیناً خواهد توانست جامعه

را از گرداب هلاکت به ساحل آرامش و سرمنزل سعادت و کمال رهنمون شود. در میان اصول اخلاقی، انفاق یکی از برترین و کارآمدترین مظاهر احسان و نیکوکاری به مردم و خدمت به هم‌نوعان و کمک به مصالح جامعه و تنظیم امور فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است، می‌توان به جرأت ادعا کرد که اگر انفاق در مسیر صحیح به راه انداخته شود و منفقان به راه معقول و درستی هدایت شوند بسیاری از مشکلات جامعه حل می‌شود، به عبارت دیگر، کارنامه درخشان انفاق این نوید را به ما می‌دهد که از طریق گسترش انفاقات و هدایت آن‌ها می‌توان اکثر نیازها و ضروریات جامعه را تأمین کرد و معزل فاصله طبقاتی را از بین برد، از این رو مقاله پیش رو می‌کوشد تا با تتبع در آیات و روایات به ارائه راه کارهایی برای رسیدن به مهم پردازد که از دستاوردهای عمل به این راه کارهای گسترش انفاق، کم شدن فاصله طبقاتی و بهتر شدن وضعیت معیشتی افراد جامعه است.

۱. طرح مسئله

با وجود اینکه انفاق از آموزه‌های مورد تأکید در دین مبین اسلام است و آیات زیادی را در قرآن به خود اختصاص داده و روایات فراوانی در این زمینه وارد شده است، مشکلات معیشتی، فاصله طبقاتی زیاد و عدم موازنه اقتصادی در جامعه نشان از کمرنگ شدن انفاق در جامعه است.

مسئله اصلی پژوهش عبارت است از اینکه چه راه کارهایی از آیات و روایات برای گسترش و ترویج انفاق می‌توان به دست آورد؟ راهکارها در چه محورهایی قابل بررسی است؟

۲. پیشینه تحقیق

از آنجایی که آیات زیادی در قرآن به انفاق پرداخته، مفسران به شرح و بررسی پیرامون این آیات پرداخته‌اند و این موضوع در تفاسیر شیعه و سنی قابل بررسی است، از طرفی انفاق یک موضوع اخلاقی و عرفانی است و علاوه بر کتب تفسیر، در کتب اخلاقی نیز راجع به این موضوع صحبت شده است از جمله اخلاق در قرآن آیت الله

مکارم شیرازی، مبانی و مراحل اخلاق در قرآن آقای جوادی آملی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی از آقای مهدوی کنی و قلب سلیم آیت الله دستغیب را نام برد. علاوه بر کتب تفسیری و اخلاقی کتاب‌های مستقلی نیز در این زمینه نگاشته شده است، از جمله کتاب‌هایی که تا حدودی با پژوهش حاضر مرتبط است می‌توان کتاب انفاق در قرآن آقای واعظی نژاد، انفاق آقای داوود عارفی و کتاب انفاق آقای عزیزی نام برد که در همه این کتاب‌ها به جنبه‌های مختلفی از موضوع اشاره کرده‌اند، مقالاتی نیز ناظر به این موضوع نگاشته شده، اما در هیچ کدام از این کتاب‌ها و مقالات راهکاری برای گسترش انفاق پیشنهاد نشده است وجه تمایز این پژوهش با نمونه‌های ذکر شده این است که در این مقاله با تتبع در آیات و روایات به ارائه راهکارهایی برای گسترش انفاق در جامعه می‌پردازد که قطع به یقین با به دست آوردن آنها و عمل به آنها می‌توان به فراگیر شدن این امر در جامعه کمک کرد.

۳. مفهوم شناسی واژگان

۳-۱- انفاق

انفاق از ماده "ن ف ق" گرفته شده و مصدر باب افعال است. فراهیدی در العین، قدیمی ترین کتاب لغت، می‌نویسد: "نَفَقَتِ الدَّابَّةُ... . أَى مَاتت؛ حیوان مرد"، نَفَقَ السَّعْرُ... إذا کثر مشروه؛ خریدارن کالا زیاد شدند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۷۷/۵)، جوهری در معنای انفاق الرجل می‌نویسد: "افتقر و ذهب ماله؛ فقیر شد و مالش از بین رفت" (جوهری، ۱۳۷۶: ۱۵۶/۴)، ابن فارس که از واژه پژوهان هوشمند و صاحب نظر است در این زمینه می‌نویسد: "این ماده دو اصل دارد، یکی از اصل‌ها دلالت دارد بر انقطاع و رفتن چیزی و دیگری دلالت دارد بر مخفی کردن و پوشاندن چیزی" (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۵۴/۵)، در کتاب‌های لغت فارسی هم انفاق به روزی دادن و خرج کردن، سپری شدن مال (دهخدا، ۱۳۴۱: ۳۵۶۹/۳)، خرج، هزینه، بخشش و بخشیدن معنا شده است (انوری، ۱۳۸۱: ۶۳۵/۱)، صاحب مجمع البیان انفاق را خارج کردن شیء از ملک خود به ملک دیگری دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۱۵/۲)، در تأیید این برداشت، مطلب فخر

رازی نیز قابل ذکر است که می گوید: اصل انفاق خارج کردن مال از دست است (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۷۶/۲).

در اصطلاح شرع انفاق عبارت است از هزینه ساختن مال در راه خدا و به مصرف رساندن آن برای مستمندان اعم از واجب و مستحب (حسینی دشتی، ۱۳۹۳: ۱۱۰۲/۲)، اما در معنای عرفی این واژه صاحب کتاب التحقیق می نویسد: انفاق در عرف به معنای اعطاء و بخشش به کار می رود و این معنای عرفی برای این واژه به جهت کثرت و غلبه استعمال شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۳۰/۱۲).

۳-۲- جامعه

جامعه از نظر لغوی به صورت اسم استعمال شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۸/۱). در فرهنگ عمید جامعه به گروهی از مردم که با هم وجه اشتراک داشته باشند و در سرزمینی واحد زندگی کنند ترجمه شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۰/۲).

مطهری در تعریف اصطلاحی از جامعه، آن را مجموعه ای از انسان ها می داند که در جبر يك سلسله نیازها و تحت نفوذ يك سلسله عقیده ها و ایده ها و آرمان ها در یکدیگر ادغام شده و در يك زندگی مشترك غوطه ورنند (آجرلو و منصوریان، ۱۳۹۵: ۳۳۲/۲)، در کتاب های جامعه شناسی، جامعه را گروهی از افراد معرفی کرده اند که به شیوه کم و بیش منظم سازمان یافته اند، دارای روش زندگی ویژه ای «فرهنگ» هستند، اعضای آن از حال یکدیگر با خبرند و خود را همچون واحدی به هم پیوسته در نظر می گیرند (الفتی، ۱۳۹۵: ۷۰).

دین مبین اسلام و قرآن به مثابه شالوده آن، به اجتماع و روابط اجتماعی، با نگاهی فراگیر و دقیق نگریسته است، قرآن برای اجتماع، حیات و زندگی و هلاکت و نابودی قائل است و بقا و تلاش انسان ها را براساس قوانینی ثابت و بی تغییر و در موعد مقرر و اجل تعیین شده می داند ﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ (اعراف/۳۴) (مسعودی، ۱۳۹۳: ۱۸).

صاحب المیزان جامعه را همانند پیکر زنده ای متشکل از عناصر گوناگون می داند، جملات متعدد استاد در این باب گویای آن است که وی جامعه متشکل از اجزای

گونگون (افراد، نهادها، سازمان‌ها) را دارای وجود حقیقی و مستقل می‌داند و برای آن قوانینی مستقل از قوانین افراد قایل است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۱۲/۴).

در روایات اسلامی نیز تأکید فراوان بر لزوم جماعت و همراهی و همگامی با آن شده است از جمله: ﴿إِيَّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْفُرْقَةَ﴾؛ ای مردم! بر شما است که از جماعت جدا نشوید، و از جدایی و پراکندگی پرهیزید (تمیمی آمدی، ۱۳۷۵: ۱۷۵).

۳-۳- راهکار

معنای لغوی این واژه شیوه و روش انجام کاری به ویژه حل مشکل است (انوری، ۱۳۸۱: ۳۵۷/۴)، در معنای اصطلاحی عبارت از یک سری اقدامات اولیه در جهت پیشبرد یک هدف می‌باشد.

۴. اثرات اجتماعی انفاق

فراوانی آیات و روایات با موضوع انفاق از یک سو و حکمت شارع مقدس در تشریح احکام از سوی دیگر انسان را به این نتیجه مطمئن می‌سازد که خیرات و برکات فراوانی به لحاظ فردی و اجتماعی مترتب بر انفاق می‌باشد، انسان موجودی اجتماعی است که نیازهای خویش را از طریق دیگران برآورده می‌سازد، بنابراین، هر کسی به دیگری نیاز دارد و بدون دیگری نمی‌تواند نیازهای ابتدایی خود را نیز تأمین کند، از جمله نیازهای بشری نیازهای مالی و مادی است که انسان‌ها با همکاری با یکدیگر آن را برآورده می‌سازند، افزون بر آثار فردی مترتب بر انفاق که بسیار مورد تأکید آیات قرآن کریم و روایات مأثور از اهل بیت است خیرات و برکات اجتماعی نیز بر آن مترتب است، آثار اجتماعی را می‌توان در دو قسمت: عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی بررسی کرد.

۴-۱- برقراری عدالت اجتماعی

یکی از آثار اجتماعی انفاق برقراری عدالت اجتماعی است، عدالت اجتماعی بدین معناست که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های ناب‌ه‌حق و محرومیت‌ها از بین

برود و مستضعفان احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی انجام می‌گیرد (دلشاد تهرانی، بی تا: ۷)، و بهترین شیوه برای گسترش عدالت در جامعه مسئله انفاق است که در قرآن نیز بسیار به آن پرداخته شده است.

انفاق به چند طریق می‌تواند در برقراری عدالت اجتماعی مؤثر باشد:

۲-۴- تعدیل اختلاف طبقاتی

از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین معضلات اجتماعی که همواره دامنگیر انسان بوده و امروزه با وجود پیشرفت‌های علمی و صنعتی، آدیان را بیشتر گرفتار خویش ساخته، مشکل فاصله طبقاتی و شکاف زیاد بین فقیر و غنی است و بدیهی است جامعه‌ای که در آن، بخش عظیمی از ثروت در دست عدهٔ قلیلی باشد و اکثریت از تهیه لوازم اولیه و ضروری زندگی ناتوان باشند، قابل دوام نخواهد بود و هرگز روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۱۵/۲).

با دقت در آیات قرآن معلوم می‌شود که یکی از اهداف اسلام، از بین بردن اختلافات غیرعادلانه‌ای است که در میان طبقهٔ غنی و ضعیف وجود دارد و بدین منظور احکام فراوانی مربوط به نحوهٔ بهره‌برداری و استفاده از منابع و ثروت‌های عمومی وجود دارد، احکام و قوانینی همچون زکات و خمس، قرض الحسنه، انفاق و صدقات جزء مسائل اصلی دین هستند که انجام برخی از آن‌ها بر هر مسلمانی واجب بوده و تعداد دیگری دارای حسنه و اجر معنوی هستند، در این میان، انفاق از جمله راه کارهایی است که می‌تواند هدف فوق را به خوبی تأمین کند (زرنگاری، ۱۳۹۴: ۷۶).

۳-۴- ایجاد اشتغال و کاهش بی‌کاری

در فرهنگ گهر بار اسلامی، همواره اشتغال و انجام فعالیت‌های اقتصادی با شرافت‌های اخلاقی و متأثر از آموزه‌های شریعت پاک حضرت محمد ﷺ با خون انسان‌های شریف این مرز و بوم عجین بوده و از سوی شارع مقدس به عنوان عملی عبادی در کنار سایر عبادات بر انجام آن تأکید شده است (عصام رودسری، ۱۳۹۳: ۸).

قرآن کریم همواره انسان‌ها را به تلاش و کسب روزی حلال و استفاده از دسترنج خود تشویق کرده است و در این باره می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي

الأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿جمعہ/۱۰﴾، و باز در سوره یس بر این امر تأکید می‌کند و می‌فرماید: ﴿لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ (یس/۳۵)، «تا از میوه آن و از حاصل آنچه به دست خود انجام داده‌اند بخورند».

پیامبر اسلام ﷺ نیز در این رابطه می‌فرماید: «كُلُّوا مِنْ كَدِّ أَيْدِكُمْ! از دسترنج خود بخورید» (حکیمی، ۱۴۳۲: ۴۲۹/۵).

به فرموده ائمه معصومین علیهم‌السلام خداوند انسان‌های دارای شغل را دوست می‌دارد و تلاش جهت به دست آوردن روزی حلال را در ردیف جهاد فی سبیل الله عنوان کرده است، از طرفی دیگر، بیکار بودن نیروی کار از نظر اسلام مردود و ناپسند است. پدیده بیکاری نه تنها جامعه را از فعالیت‌های مفید و ثمربخش عده‌ای محروم می‌کند، بلکه ممکن است ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی فراوانی را در پی داشته باشد.

پس افراد دارای سرمایه با در اختیار گذاشتن ابزار کار و ایجاد کارآفرینی، زمینه اشتغال‌زایی را در جامعه فراهم می‌کنند و از نیروی کار جوان که تحصیل کرده است ولی از لحاظ مالی در مضیقه قرار دارند و بیکار می‌باشند استفاده کرده؛ یعنی سرمایه از افراد متمکن و تجربه و کار از نیروی جوان تحصیل کرده، در این صورت سطح زندگی اجتماعی بالاتر می‌رود و عزت و شوکت از طریق انفاق و به کارگیری نیروهای کارآمد در نظام جمهوری اسلامی محفوظ می‌ماند و اخلاق اسلامی بیشتر و بهتر رایج می‌گردد و آثار شوم فقر و بیکاری از بین می‌رود و فرهنگ و علم و هنر زمینه‌ای برای رشد و انتشار در میان مردم توسعه پیدا می‌کند و صنایع و اختراعات رواج می‌یابد و از این طریق اصالت اجتماعی در جامعه برقرار می‌گردد (زرنگاری، ۱۳۹۴: ۸۴).

۴-۴- ایجاد مساوات و برابری

فرهنگ و معارف اسلامی در بردارنده آموزه‌هایی است که افراد جامعه را در عمل و رفتار به سمتی سوق می‌دهد که یک فرد مسلمان هیچ‌گاه خود را برتر از دیگران نداند، از مهم‌ترین آموزه‌ها می‌توان به ایجاد مساوات و برابری در جامعه نام برد، اسلام وحدت

نوع بشری را در پیدایش و سرانجام، زندگی و مرگ، در حقوق و وظایف در پیشگاه خدا و قانون دنیا و آخرت اعلام کرده و فهمانده که جز عمل شایسته چیز دیگری فضیلت ندارد و عزت و شخصیت از آن پرهیزکاران است (سید قطب، ۱۴۲۵: ۸۶)، قرآن هم در بیان این مطلب اصرار می‌ورزد و این معنا را تکرار می‌کند تا در خمیره انسان، وحدت اصل و پیدایش او را ثابت کند، تمام افراد این جنس از خاک اند و هر فردی متولد از آبی بی ارزش است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/۱۳).

خداوند متعال از آن جهت میان مردم در نسب‌ها و شهرها تفاوت قرارداد تا درصدد شناختن هم برآیند و با یکدیگر آمد و شد کنند و از طریق انفاق به کمک و یاری یکدیگر بشتابند و در جهت کمی و کاستی‌های یکدیگر برآیند نه اینکه به یکدیگر فخر بفرشند و به استکبار و برتری جویی پردازند.

در نتیجه با رواج انفاق در جامعه هر فرد نه تنها درصدد استعمار دیگران و انحصارطلبی بر نمی‌آید بلکه منابع و ثروت‌ها و امکانات را متعلق به همگان می‌داند و در نتیجه زمینه اعتقادی و فکری در جهت رفع فقر از جامعه و برقراری عدالت اجتماعی فراهم می‌آید (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۹۷).

۴-۵- ترویج ازدواج

ازدواج به عنوان راه حلی اجتماعی و پسندیده، وسیله‌ای برای سامان دادن و ثبات زندگی و اهرمی برای رهایی از پرتگاه پرمخاطره گناه و تباهی است، نادیده گرفتن امر ازدواج و سستی بنیاد آن در نزد جهان غرب، گواهی روشن در نمایش بی‌بندوباری و حرکت بی‌وقفه و برق‌آسا به سوی فساد و هرزگی و انحرافات اخلاقی است.

ازدواج نوعی مصونیت از گناه و آلودگی روح است، قرآن کریم صراحتاً در این مورد می‌فرماید: «همسرانتان لباس عفت شما و شما لباس عفت آنانید»؛ این اصل کلی است که هر انسانی برای حرکت در مسیر رشد و بلوغ و ادامه زیست سالم، نیازمند به حل یک سری مشکلات و مسائل خاص است که در کمین اوست، در حل این مسائل که

باعث پیشرفت انسان در مسیر رشد و کمال او است، مساعدت‌های اجتماعی و هم‌فکری‌های انسانی امکان‌پذیر است (بیستونی، ۱۳۸۴: ۸).

بنابراین انفاق می‌تواند گام مهمی در تحقق این امر عظیم باشد چرا که اگر همه افراد جامعه که تمکن مالی دارند به کمک افراد کم درآمد جامعه بیایند و هزینه‌های لازم جهت صورت گرفتن ازدواج برای جوانان را از طریق تهیه جهیزیه، مساعدت‌های مالی و دادن هدیه تأمین کنند واقعاً مسئله ازدواج جوانان حل می‌شود و بی‌بندوباری‌ها کاهش می‌یابد و فرد جوان خودش را در جامعه احساس می‌کند و عدالت اجتماعی حاکم می‌شود.

۴-۶- تکافل اجتماعی

تکافل، یعنی کفالت کردن، عهده‌دار شدن امری و برعهده گرفتن چیزی در عوض کسی، تکافل اجتماعی یعنی اینکه افراد جامعه همدیگر را سرپرستی و ضمانت کنند و در آنچه که در اختیار دارند به همدیگر کمک و مساعدت نمایند (ناصر علوان، ۶ و ۵)، افراد جامعه بدون شک با یکدیگر همسان و برابر نیستند برخی توانایی‌هایی جسمی و استعداد‌های سرشاری دارند و برخی ضعیف‌ترند، از این‌رو، در هر جامعه‌ای سطح درآمدها با توجه به امکانات هر فرد متفاوت است، تکافل اجتماعی، یعنی اینکه: افراد جامعه همدیگر را سرپرستی و ضمانت کنند و در آنچه در اختیار دارند به همدیگر کمک نمایند، به طوری که همه افراد برای جامعه برتر و در جهت نفع، ضرر و زیان از افراد خود و برای جلب منافع مشترک همدیگر را ضمانت و کفالت نمایند (زرنگاری، ۱۳۹۴: ۵۶)، و این همان است که قرآن کریم مقرر فرموده است و می‌فرماید: همدیگر را در راه نیکی یاری و پشتیبانی کنید و همدیگر را در راه دشمنی و ستم کاری یاری و پشتیبانی نکنید ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده/۲). اطاعت خدا و فرمان برداری از دستورات او فقط و فقط منحصر بر عبادت نیست بلکه شامل تمام راه و روش الهی است و یکی از این روش‌ها همان انفاق و بخشش مال است با طیب خاطر به نزدیکان و خویشاوندان و... برای تحقق پذیرفتن تکافل و همیاری عمومی میان تمام افراد جامعه است تا همه در زیر پرچم همکاری، زندگی

شرافتمندانه داشته باشند و جامعه‌ای که به همدیگر کمک می‌کنند و در میان افراد آن تکافل اجتماعی و همکاری کامل تحقق می‌پذیرد و در سطح جامعه آن احساس محبت و برادری و ایثار و نوع دوستی حکم فرما است بدون تردید چنین جامعه‌ای به قلعه محکم و استواری می‌ماند که نه عوامل مخرب در آن اثر می‌کند و نه مصیبت‌ها و آفت‌های روزگار آن را متزلزل می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۱۵/۲).

۴-۷- برقراری عدالت اقتصادی

در نظام اقتصادی اسلام، عدالت مفهوم ویژه خود را دارد و در برگیرنده عدالت در شیوه توزیع مواد اولیه و توزیع ثروت‌های تولید شده می‌شود، اگر این منابع در انحصار افراد با گروه‌های خاصی قرار گیرد، توازن اقتصادی به هم می‌خورد و راه برای زورمندان و زرمندان هموار می‌گردد و ثروت در دست گروهی خاص قرار می‌گیرد. پس عدالت اقتصادی؛ یعنی «تساوی امکانات» عدالت در توزیع ثروت، تقسیم عادلانه مواد اولیه طبیعی برای افراد جامعه، -برابری کاری که فرد در جامعه انجام می‌دهد با حقی که جامعه می‌پردازد- و برای حق قانونی (مزد) یا حق واقعی (سهم) هرکس (شرف الدین، ۱۳۹۳: ۵۴).

انفاق می‌تواند به طرق زیر در برقراری عدالت اقتصادی نقش داشته باشد.

۴-۸- برقراری عدالت و ایجاد توازن اقتصادی

یکی از سیاست‌های کلی اسلام برای برقراری عدالت اقتصادی که در مکتب اقتصادی اسلام مطرح و در کلام امامان معصوم علیهم‌السلام ظهور یافته است توازن اقتصادی است که با پرداخت انفاق امکان‌پذیر است.

در نظام اقتصادی اسلام با الهام از قرآن کریم و احادیث امامان و نیز سیره اقتصادی و مدیریتی آنان، برای تمرکز زدایی از ثروت و سرمایه در دست طبقه و افراد خاص برنامه‌ریزی شده است، قرآن کریم به این مطلب این گونه توجه داده است:

﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (حشر/۷).

۴-۹- ایجاد خودکفایی و افزایش تولید

انفاق یکی از عنصرهای ایجاد خودکفایی و افزایش تولید در جامعه است و از نظر اسلام فعالیت‌های تولیدی افراد نیز مهم‌ترین رکن در طلب رزق و روزی قلمداد می‌شود و در واقع بشر را از فقر و گرسنگی نجات می‌دهد از طرفی قرآن کریم تصریح دارد که عوامل تولید و منابع معیشت انسان فراوان است و در آیاتی از سوره ابراهیم به آن اشاره فرموده است:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ * وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ * وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم/۳۲)، (خلیلان، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

- اسلام هماهنگ با فطرت انسان، انگیزه سودطلبی و منفعت‌خواهی بشر در امر تولید را می‌پذیرد اما می‌کوشد که انسان‌ها را در سایه انفاق به سوی اهدافی بالاتر سوق دهد به طوری که افراد جامعه به تدریج افزون بر انگیزه تأمین نیازهای خود و نفع شخصی، نیازهای جامعه و رفاه عموم را مسئولیت اجتماعی دانسته و با انگیزه اطاعت و بندگی خداوند به فعالیت بپردازند.

قرآن کریم از انسان می‌خواهد از نعمت‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد علاوه بر استفاده دنیایی به فکر ذخیره آخرت نیز باشد و این امر را در سوره قصص متذکر شده و می‌فرماید:

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص/۷۷).

۴-۱۰- پیشرفت‌های علمی

افراد متمکن و دارای سرمایه می‌توانند با انفاق‌های خود و با تأمین نیازهای اساسی و حیاتی برای همه افراد جامعه و ایجاد فرصت‌های مناسب و برابر جهت رشد و شکوفایی استعدادها؛ یعنی با رسیدن به حد نصاب عدالت اقتصادی و اجتماعی زمینه بروز خلاقیت و ظهور نوآوری‌ها فراهم سازند.

۴-۱۱- رفع محرومیت از افراد جامعه

قرآن کریم با بیان‌های گوناگون به اهمیت انفاق برای رفع محرومیت از افراد جامعه را یادآور شده و مردم را به آن تشویق و ترغیب کرده است تا بدین وسیله سطح مصرف و رفاه را برای عموم مردم به صورت هماهنگ در جامعه گسترش دهد و در جهت این امر مهم دعوت به شتاب می‌کند ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران/۱۳۲)، و گاهی خود را گیرنده صدقات معرفی می‌کند:

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (توبه/۱۰۴).

در نتیجه فرد باایمان، ضمن بهره‌برداری و استفاده شخصی از نعمت‌ها و امکانات، نه تنها فقط واجب خود را ادا می‌کند، بلکه همواره در صدد است با انفاق و کمک‌های مالی خود، فقر و محرومیت را در جامعه کاهش داده و به مرتبه‌ای از کمالات انسانی برساند (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۱۷۱).

بنابراین انفاق می‌تواند در جهت الگوی مصرف مسلمانان نقش بسزایی را ایفا کند تا مردم جامعه بتوانند سطح مصرف روزمره‌ای خود را با توجه به وضع عمومی اقتصاد تنظیم کنند.

۵. راهکارهای گسترش انفاق

کاروان بشری به سوی مقصد مشخص خود در حرکت است و ما انسان‌ها در این کاروان به صورت دسته جمعی حرکت می‌کنیم، در مسیر راه به بازماندگانی برخورد می‌نماییم که باید آن‌ها را یاری داد و کمبودهایی را مشاهده می‌نماییم که باید جبران نمود و به مشکلاتی برمی‌خوریم که باید آن‌ها را برطرف کرد (بروجردی، ۱۳۹۵: ۱۰)، از آنجا که اسلام برای کرامت و شخصیت انسان اهمیت فراوان قائل است و او را جانشین خدا در زمین می‌داند، برای رسیدن وی به درجه‌های عالی رشد و کمال معنوی و

خوشبختی، راهکارهای مناسبی را ترسیم کرده است، افزون بر آن، اسلام درباره رفاه مادی و مبارزه با فقر و پیامدهای منفی آن که تباه کننده هستی جامعه انسانی است، اهتمام دارد و با شیوه‌های گوناگون برای درمان آن و نابود کردن ریشه‌هایش اقدام کرده است و بدین ترتیب با تتبع در آیات و روایات می‌توان به راهکارهای مناسبی برای رسیدن به این مهم دست یافت.

راهکارهای ارائه شده در دو قالب نظری و عملی قابل بررسی است.

۱-۵- راهکارهای نظری

منظور از راهکارهای نظری؛ راهکارهایی که شامل مسائل فرهنگی، تربیتی و اعتقادی است و جنبه‌های عملی نامحسوس دارد، غالب فعالیت‌های مربوط به باورسازی و تغییر نگرش افراد و افزایش آگاهی در این بخش می‌گنجد.

۲-۵- راهکارهای شناختی - نگرشی

در این روش سعی بر این است که تلقی آدمی از امور دگرگون شود، ایجاد دگرگونی در تلقی افراد، از لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آنهاست، زیرا نوع تلقی افراد از امور، یکی از مبانی مؤثر در نوع رفتارها و اعمال است، بینش نوعی آگاهی عمیق و گسترده است و از این رو آدمی را با واقعیت مورد نظر کاملاً در می‌پیوندد (باقری، ۱۳۸۵: ۷۹)، عنصر شناختی شامل اعتقادات و باورهای شخصی درباره یک شیء یا اندیشه است و نگرش مجموعه‌ای از شناخت‌ها، باورها و عقاید است که حاوی ارزش‌های مثبت و منفی می‌باشد (کریمی، ۱۳۸۵: ۲۲۲).

۱-۲-۵- تصحیح نگرش نسبت به انفاق

شناخت انسان و نگرش به کاری، تأثیر بسیار زیادی در انجام یا ترک آن دارد. نگرش اسم مصدر از واژه نگریستن است و در کتاب‌های لغت به معنای بینش، نظر، نگاه، ملاحظه و... آمده است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۴/۲۲۷۱۶)، این تغییر و تصحیح نگرش انسان‌ها نسبت به مسئله انفاق می‌تواند به‌عنوان راهکار مثبتی در تحقق امر انفاق به‌شمار رود و در قرآن به گونه‌های مختلفی بیان شده است.

۵-۲-۲- بی نیازی خدا به انفاق

قرآن کریم در زمینه بی نیازی خداوند این نگرش را به مردم می دهد که خدا بی نیاز از همه چیز است و نیازی به مال و انفاق شما ندارد و اگر خدای حکیم بر انفاق تأکید کرده است به دلیل فواید بی شمار آن برای فرد انفاق کننده و جامعه است، خداوند سبحان در سوره بقره به پرداخت انفاق از مال پاکیزه امر می کند، ... ﴿أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ... وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (بقره/۲۶۷)، و در پایان آیه می فرماید خدا غنی و حمید است، او بی نیاز مطلق است و به انفاق شما نیازی ندارد بلکه انفاق باعث رشد انسان می شود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۶۳/۱)، آیت الله جوادی آملی راز پایان یافتن این آیه به دو وصف غنی و حمید را این گونه بیان می کند: هر یک از این دو اسم مبارک سهم تعیین کننده ای در ترغیب به انفاق اولاً و تشویق به دادن مال طیب ثانیاً و انفاق حلال ثالثاً و انفاق محصول دسترنج نه مال به رایگان رسیده رابعاً و... دارند، بی نیازی خداوند می فهماند که انفاق در راه خدا به سود انفاق کننده است نه به نفع خدا، و حمید به معنای حامد بودن خدا، می رساند که خداوند در عین بی نیازی ستایشگر انفاق کننده واجد شرایط است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴۰۸/۱۲).

همچنین در آیه دیگری که در مقام توبیخ انسان های بخیل است آن ها را مزمت کرده که چرا وقتی به انفاق دعوت می شوید بخل می ورزید ﴿هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ...﴾ (محمد/۳۸)، در این آیه شریفه قرآن این نگرش اشتباه را تغییر می دهد که اگر فکر می کنید که خدا به انفاق شما نیاز دارد در اشتباه هستید زیرا او بی نیاز است و شما هستید که در همه چیز به او نیاز دارید، در هوایی که تنفس می کنید، در غذایی که می خورید و... (فضل الله، ۱۴۱۹: ۸۴/۲۱)، مرحوم طبرسی نیز در تفسیر این فراز از آیه می فرماید بدانید که خداوند از ثروتی که دارید بی نیاز است، این شما هستید که به آنچه نزد خدا است از خیر و رحمت نیاز دارید؛ یعنی: خداوند به خاطر احتیاج خودش به شما دستور انفاق نمی دهد، بلکه بدان جهت دستور می دهد که شما در آخرت سود برید (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۴/۹).

۵-۲-۳- بازگشت سود انفاق به انفاق کننده

قرآن کریم همواره کوشیده است تا با از بین بردن نگرش‌های ناصواب راه انفاق را بر همگان هموار کند، بسیاری بر این باورند که حکمت تشریح انفاق صرفاً رفع فقر از محرومان و آسیب دیدگان است، در نگاه آنان به جای آنکه برای انفاق کننده مفید باشد، به نفع نیازمند است، زیرا انفاق موجب رهایی عده‌ای از درد فقر و ناداری می‌شود و به زندگی آنان رونق و نشاط می‌بخشد، در حالی که آنچه از تدبیر در مجموع آیات انفاق به دست می‌آید بیانگر آن است که آنچه در انفاق مهم‌تر است آثار ارزشمند انفاق بر انفاق کننده است، قرآن برای ایجاد این معرفت و شناخت می‌گوید که سود انفاق به خودتان برمی‌گردد و در پرتو آن سودی هم به طرف مقابل می‌رسد ﴿... وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ﴾ (تغابن/۱۶). علامه در تفسیر این فراز می‌فرماید: کلمه «انفاق» به معنای بذل مال در راه خدا است، ایشان معتقد است که احتمال دارد معنای عبارت این باشد که با انفاق خیری را برای خود از پیش بفرستید و علت اینکه از «أَنْفُسِكُمْ» به جای «كُم» استفاده کرده این است که خیر انفاق برای انفاق کننده است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۰۸/۱۹)، زمخشری نیز علت نصب بودن کلمه «خیراً» را حذف عامل دانسته، و فرموده تقدیر آن ﴿وَأَنْفِقُوا وَآمِنُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ﴾ می‌باشد: انفاق کنید و ایمان آورید به چیزی که برای خودتان خیر است» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۵۱/۴).

۵-۲-۴- جایگزین شدن مال بعد از انفاق

در نگاه اول، انفاق، کم کردن مال و دارایی است به همین دلیل است که بعضی از آن طفره می‌روند تا مبادا حاصل دسترنج خود را به باد دهند، اما خداوند رحمان به منظور رفع این نگرانی و تشویق به انفاق وعده به جبران مال انفاق شده می‌دهد، یکی از آیاتی که این اثر به وضوح در آن قابل مشاهده است، آیه ۳۹ سوره مبارکه سبأ می‌باشد، ﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَسْطُرُ الرَّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (سبأ/۳۹)، «فَهُوَ يُخْلِفُهُ»: یعنی خدای متعال عوض انفاق را می‌دهد و کسی غیر از او عوض انفاق را نمی‌دهد، این عوض، هم در دنیاست به وسیله مال یا قناعت و هم در آخرت با ثوابی که هیچ چیز جایگزین آن نیست» (تهانوی، ۱۹۹۶: ۵۸۷/۳).

علامه طباطبایی در تفسیر عبارت «فَهُوَ يُخْلِفُهُ» می فرماید: هر چه انفاق کنید، چه کم و چه زیاد و آن مال هر چه باشد، خدا جانشین کننده و جا پرکن آن است، و عوض آن را یا در دنیا یا در آخرت به شما می دهد (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۸۵/۱۶).

آیت الله جوادی آملی نیز با توجه به این آیه شریفه می گوید: خدا به انفاق کننده وعده می دهد که با انفاق، چیزی از مال او کم نمی شود و خدا جایگزینش را عنایت می کند و میزانش حداقل برابر خود آن است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۱۸/۱۲)، البته این وعده الهی منحصر به آخرت و سرای دیگر نیست، آنکه در جای خود مسلم است، در دنیا نیز با انواع برکات جای انفاقها را به نحو احسن پر می کند.

در روایتها هم به مسئله جایگزینی مال هنگام انفاق اشاره شده است «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقْفَةِ»، کسی که یقین به عوض و جانشین داشته باشد در انفاق کردن سخاوتمند خواهد بود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۴۰/۴). در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده:

أَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ جِلَّةٍ وَ أَنْفَقَهُ فِي جِلَّةٍ لَمْ يَنْفُقْ دَرْهَمًا إِلَّا أُخْلِفَ عَلَيْهِ؛ اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در راه حلال انفاق کند و هیچ درهمی را انفاق نمی کند مگر اینکه خدا عوض آن را به او می دهد (بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۶۷/۴).

۵-۲-۵- مایه آزمون بودن مال

بسیاری از مردم تصور می کنند مال به خودی خود ارزش دارد و مایه کرامت است و آن را خیر می دانند در حالی که در قرآن کریم روی این پندار اشتباه خط بطلان می کشد و با ایجاد نگرش صحیح به اموال و داراییها، آن را مایه آزمون الهی می داند و مردم را به انفاق تشویق می کند، قرآن در برخی آیهها تعبیر به خیر کرده است... ﴿إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۱۸۰؛ عادیات/۸)، که این تعبیر از نگاه مردم است و نه به لحاظ واقع و از منظر اولیای خدا (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۲۷/۱۲)، همچنین در آیه شریفه ﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُؤْتُهُمْ مِنْ مَالٍ وَبَيْنَ * نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ (مؤمنون/۵۵ و ۵۶)، این پندار مردم را بیان می کند که آنها گمان می کنند چون عده ای را از مال و فرزند برخوردار ساخته ایم در رساندن خیر به آنها شتاب کرده ایم در حالی که آنها نمی فهمند چرا که مال و فرزند وسیله

آزمون است و خیر و سعادت در گروهی ترس از خدا، ایمان و پرهیز از شرک، انفاق مال و بیم از بازگشت به سوی خداست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۲/۱۲)، بنابراین قرآن می‌گوید اموال و دارایی‌ها خیر نیستند و خیر از آن کسی است که در فضیلت پیشگام و اهل انفاق به دیگران باشد و گرنه مال دنیا زینت زمین است نه زیور انسان (همان).

در برخی روایات هم به این مسئله اشاره شده که اموالی که در اختیار انسان‌هاست برای آزمایش است و خداوند متعال با واجب کردن خمس و زکات و امر به انفاق خواسته تا آنها را امتحان کند. امیرمؤمنان در خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه می‌فرماید «... وَ نَوَاصِيكُمْ بِيَدِهِ وَ تَقَلُّبُكُمْ فِي قَبْضَتِهِ إِنْ أَسْرَزْتُمْ عِلْمَهُ وَ إِنْ أَعْلَنْتُمْ كِتْبَهُ قَدْ وَكَّلَ بِذَلِكَ حَفْظَةَ كِرَامَا لَا يُسْقَطُونَ حَقًّا وَ لَا يُثْبِتُونَ بَاطِلًا وَ أَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا مِّنَ الْفِتَنِ وَ نُورًا مِّنَ الظُّلَمِ وَ يُحِلِّدَهُ فِيمَا اسْتَهَتْ نَفْسُهُ» (شریف‌رضی، بی‌تا: ۲۶۶).

۵-۲-۶- انفاق تجارتي پرسود

شاید برخی تصور کنند که بهتر است به جای انفاق کردن، اموال خود را به کسب و کار بزنند، زیرا در آن صورت هم اصل مال برایشان محفوظ می‌ماند و هم سودی به دست می‌آورند، در حالی که قرآن انفاق را به عنوان تجارتي پرسود معرفی نموده و می‌فرماید: «... وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (فاطر/ ۲۹). قرآن در ادامه طرح این مطلب می‌فرماید: «لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ» (همان/ ۳۰). تا پاداش آنها را بپردازد و با فضلش آن را چند برابر می‌کند، زیرا او آمرزنده و شکرگزار است (نهبوندي، ۱۳۸۶: ۲۴۳/۵). بنابراین انفاق با تجارت‌های دیگر تفاوت‌های عمده‌ای دارد، زیرا در سایر تجارت‌ها، طرف معامله، انسان دیگری است، اما در انفاق، خداوند طرف حساب است تفاوت دیگر در آن است که در تجارت احتمال سود می‌رود، همانگونه که احتمال ضرر نیز وجود دارد، اما انفاق تجارتي است که تمامی آن سود است (الفتی، ۱۳۹۵: ۳۵).

۵-۲-۷- تصحيح نگرش نسبت به دنيا

در نظام سرمایه‌داری، برای رشد و توسعه اقتصادی تأکید بر رفتار مبتنی بر طمع و آزمندی گذاشته می‌شود؛ یعنی روحیه ثروت‌اندوزی، عشق به دنیاپرستی، مادیات و

سودگرایی که زیربنای سرمایه‌داری است به مردم القاء می‌شود، اما در اسلام تأکید بر کم‌مصرفی و قناعت شده است، در قرآن متجاوز از ۲۰ آیه وجود دارد که در آنها کلمه «متاع» به معنای مال دنیا و ثروت به کار رفته است (عبدالاقی، ۱۳۸۴)، در سوره حدید ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (حدید/ ۲۰)، حیات دنیا و اموال مورد مذمت قرار گرفته است، علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «لعب» عملی است که برای غرض خیالی ترتیب داده می‌شود، «لهو» هر چیزی که انسان را از امور مهم باز دارد، «تفاخر»، مباهات نمودن به انساب است و تکاثر در اموال و اولاد مطرح می‌باشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۵/۱۹)، در سوره آل عمران حیات دنیا را متاع غرور می‌شمرد ﴿... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران/ ۱۸۵)، سید قطب متاع دنیا را متاعی غیرحقیقی می‌داند که باعث نیرنگ و غرور می‌شود (قطب، ۱۴۲۵: ۵۳۹/۱)، از طرفی در کنار این گونه آیات که زندگی دنیا را معرفی کرده، زندگی ابدی آخرت و نعمت‌های بهشت و امثال اینها را بیان می‌فرماید و بدین گونه معلوم می‌گردد که خداوند می‌خواهد انسان را از غفلت و گمراهی خارج کند و او را نسبت به حیات واقعی آشنا کند که ﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ (عنکبوت/ ۶۴)، که مبادا به زیبایی‌های حیات دنیا مشغول شود و از هدف اصلی باز بماند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۵۸/۸)، بنابراین با این نگرش که این منافع قلیل «دنیا» از بین رفتنی است و برای او نخواهد ماند و می‌تواند با انواع انفاق‌ها و گذشت‌ها مواهب کثیری را به دست آورد، روح ایثار و فداکاری در وجودش شکل می‌گیرد، و مسلم است که با چنین روحیه و ایمانی یک جامعه به تکامل حقیقی خود می‌رسد.

۵-۲-۸- تقویت باورهای دینی

باور در لغت به معنی یقین، ایمان و اعتقاد می‌باشد، بدین سان باورهای دینی مجموعه‌ای از واقعیت‌ها و حقایق دینی می‌باشند که طالبان دین از روی بصیرت به آنها روی آورده‌اند و به مقتضیات آن پای بند بوده و التزام عملی دارند، باورهای دینی از

منظر مؤمنان جایگاه بس خطیری دارند و همواره در حفظ آنها می‌کوشند چرا که این باورها تأثیرات زیادی بر فرد و جامعه دارد از تأثیرات آن، دمیدن روح مسئولیت و تعهد در جان‌های مؤمنان و پارسایان می‌باشد، باورهای دینی انسان‌های مؤمن را در برابر خویشستن، جامعه، دین و ارزش‌های دینی و از همه مهم‌تر خداوند متعال مسئول و متعهد می‌سازد (نگارش، ۱۳۸۶: ۵۰) برای تقویت باورهای دینی به راهکارهای زیر می‌توان اشاره کرد:

اولین و مهمترین راه برای تقویت باورهای دینی، یاد و ذکر مداوم خداوند است؛ زیرا یاد خداوند موجب اطمینان قلب می‌شود و هر گاه انسان به مقام اطمینان قلبی برسد و به اصطلاح صاحب «قلب مطمئن» شود، باورهای دینی او چون فولاد آب دیده محکم و پرتوان می‌شود؛ لذا خدای سبحان فرمود: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد/ ۲۸).

دومین راه برای تقویت باورهای دینی، شناخت درست دین است؛ زیرا هر اندازه انسان دین را بهتر و درست‌تر بشناسد و باورهای دینی و مذهبی بر اساس شناخت درست از دین شکل بگیرد و پدید آید؛ بهتر و بیشتر می‌تواند در برابر هجوم تبلیغات دین‌زدایی جهان معاصر، مقاومت کند و اگر پایه‌های معرفت دینی انسان قوی نبوده و باورهای دینی انسان، مستند و محکم نباشد و هر باور و اعتقاد دینی تکیه‌گاهی در قرآن و روایات صحیح و مبانی کلامی و فلسفی به همراه نداشته باشد، در برابر هجوم تندباد حوادث و تبلیغات دین‌زدایی عصر جدید، تاب مقاومت نخواهد داشت (نگارش، ۱۳۸۶: ۵۷).

سومین راه، انس با قرآن است؛ لذا در قرآن کریم فرمود: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (انفال/ ۲). آشنایی جامعه با آیات نورانی قرآن و حاکم کردن معارف بنیادین قرآن، به ویژه اصول اعتقادی در آن سبب می‌شود تا نوع نگاه و فکر مردم به جهان اطراف ایشان تغییر یا تعدیل یابد (عالم زاده نوری، ۱۳۹۶: ۳۲۷).

استاد جوادی آملی در این باره نکاتی آموزنده دارد؛ از جمله می‌گوید:
«بهترین راه صلاح، انس با قرآن است ﴿فَاَقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ (مزمّل/ ۲۰).

یعنی آن مقدار که برای شما میسور است، قرآن تلاوت کنید و با این کتاب الهی مأنوس باشید، قرآن نور الهی است و خواندن آن عبادت است؛ هر چند معنای آن هم درک نشود، قرآن جبل (ریسمان) الهی است که انس با آن و تدبر در آن و ایمان و عمل به آن انسان را بالا می برد و به مقام صالحین ملحق می سازد، تحت ولایت الله قرار می دهد، اگر انسان مشمول ولایت الله بود، آموزش را خدا اداره می کند و در آن مقام دیگر راهی برای وسوسه و رخنه اهریمن نیست» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳۷-۲۴۰).

چهارمین راه برای تقویت باورهای دینی، برانگیختن محبت به خداست، ایجاد محبت خدای متعال یکی از روش های تربیت اعتقادی در سیره اهل بیت علیهم السلام بوده است (داودی، ۱۳۸۷: ۱۰۷)، و در آیات و روایات یکی از روش های ایجاد محبت نسبت به خداوند متعال، بیان نعمت های الهی بوده است، روایت ذیل نیز حاکی از تأثیر یادآوری نعمت ها در محبت به خدای متعال است.

امام رضا علیه السلام از پدران شان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند: خدای عزوجل به هم نجوایش موسی علیه السلام وحی کرد: مرا دوست بدار و مرا پیش خلقم محبوب کن موسی علیه السلام عرضه داشت: ای پروردگار من، فرمان اولت این بود که تو را دوست داشته باشم؛ اما چگونه تو را در نزد خلق محبوب کنم؟ خدای متعال فرمود: نعمت های مرا به آنها گوشزد کن؛ چرا که آنها از من جز خوبی چیزی سراغ ندارند (راوندی، ۱۳۶۸: ۲۰۵)، این روایت بیانگر این است که توجه کردن به نعمت های الهی موجب ایجاد محبت نسبت به خدای متعال می شود.

۵-۲-۹- شناخت و آگاهی بخشی

علم؛ به عقیده لغت شناسان به معنای ضد جهل و نادانی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۵۲/۲)، و به معنای شناخت و معرفت و یقین است (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۲۷)، بنابراین علم پیدا کردن به چیزی به معنای شناخت آن و آگاه شدن نسبت به آن است، علمت الشیء: عرفته و خبرته (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۱۷/۱۲)، فراوانی آیات و تأکید آنها بر مسئله شناخت، بیانگر اهمیت موضوع است، از منظر قرآن با آگاهی بخشی جامعه انسانی به سوی فطرت خدایی، زمینه خودسازی مردم فراهم می شود و آنگاه در مرحله عمل و برخورد با هم نوعان خویش اخلاق قرآنی را ظاهر و آشکار می کند، آشنایی جامعه با پیام آیات

نورانی قرآن و حاکم کردن معارف بنیادین قرآن، سبب می‌شود تا نوع نگاه مردم به جهان اطراف ایشان تغییر یا تعدیل یابد، و زمینه کسب علاقه و ایجاد انگیزه و آنگاه انتخاب آگاهانه و عمل به حسنات فراهم گردد، هم با دلیل منطقی و هم با تجربه‌های فراوان به ثبوت رسیده است که هر قدر سطح معرفت و دانش الهی انسان بالاتر برود فضائل اخلاقی در او شکوفاتر می‌شود؛ و بالعکس، جهل و فقدان معارف الهی ضربه شدید بر پایه ملکات فضیله وارد می‌سازد و سطح اخلاق را تنزل می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲۴)

اکنون برای کسب علم در قدم اول باید توجه داشت که گذشته از این انگیزه‌های درونی که انسان را وادار به انجام کارهایی می‌کنند، راه دیگری نیز وجود دارد و هدف‌های دیگری نیز در کار است که باید به آن هدف‌ها رسید، اصولاً انسانیت انسان از این مرحله آغاز می‌شود که از ارضای صرف نیازهای غریزی خود گام را فراتر نهد و آگاه شود که سرنوشتی دارد و راه‌های حق و باطلی پیش پای اوست که باید راه را درست بشناسد و از آن پیروی کند، بنابراین گام نخست همین است و اگر انسان به این مسئله توجه نداشته باشد که حقایقی در این عالم فراتر از زندگی حیوانی وجود دارد عملاً شناخت حق و باطل و درست و نادرست برای او نامفهوم خواهد بود (محمدخانی، ۱۳۹۳: ۱۸۰)، پس از اینکه انسان به این مرحله از معرفت رسید که حق و باطلی در کار است، باید درباره اصول دین، فکر و اندیشه خود را به کار گیرد و از براهین عقلی استفاده نماید تا به علم قطعی و برهانی در این باره دست یابد، زیرا کلید علم و دانش، تفکر و تعقل است، در این زمینه قرآن کریم در آیات متعدد انسان‌ها را به تفکر و تعقل دعوت می‌کند تا در نتیجه آن به شناخت و معرفت صحیحی در این باره دست یابند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۷۰/۱)، انفاق از اموری است که خداوند متعال در آیه‌های بسیاری به آن امر کرده است (بقره ۱۹۶/۲۵۴/۲۶۷: حدید ۷)، وقتی انسان خدای خویش را بشناسد و بداند که این دستور از ناحیه ربوبی حضرت حق صادر شده و از طرف مولا و حبیبش امری آمده است، به راحتی آنرا امثال می‌کند و در انجام آن کوتاهی نمی‌کند. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: انسان آگاه به آسانی دستور الهی به انفاق را امثال می‌کند؛ زیرا می‌داند این دستور تنها موعظه تهی از

حکمت نیست که سودی نداشته باشد، بلکه موعظه همراه با حکمت و استدلال است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۲۶/۱۰).

۵-۳- راهکارهای انگیزشی

انگیزش؛ اسم مصدر انگیزیدن و در لغت به معنای تحریک، تحریر و ترغیب آمده است (معین، ۱۳۸۶: ۱۶۸)، و منظور از راهکارهای انگیزشی آن دسته از راهکارهایی است که شناخت آنها می‌تواند باعث تغییر رفتار شده و انگیزشی برای انجام اعمال نیک از جمله انفاق باشد، بر این اساس با تتبع در آیات و روایات چهار راه کار تشویق، تحذیر، الگوپردازی، بیان سیره اهل بیت قابل بررسی است.

۵-۳-۱- تشویق و تبشیر

تشویق؛ واژه‌ای عربی از باب «تفعیل» و از ریشه «شوق» است، در لغت عرب چنین آمده است: الشوق: نزاع النفس إلى الشيء. کشاندن نفس آدمی به سوی امری (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۹۲/۱۰؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۳۲۷)، و در اصطلاح عبارت است از یک محرک خرسند کننده به دنبال یک رفتار مطلوب برای افزایش و تقویت آن رفتار (سیف، ۱۳۸۸: ۲۴۶)، تبشیر نیز به معنای بشارت دادن به عطیایی است که بعد از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد و مظهري از لطف و رحمت است (باقری، ۱۳۸۵: ۱۶۸). یکی از نیازهای مهم و اساسی انسان نیاز به تقدیر و تحسین است، همه افراد در این آرزو هستند که در موقعیتی قرار بگیرند که مورد تقدیر و تحسین دیگران قرار گیرند، از طرفی همه انسان‌ها در مقابل گفتار و رفتار خود انتظار پاداش و ثواب دارند، لذا در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام از پاداش‌های مختلفی سخن به میان آمده که بر عمل نیک مترتب می‌شود، در این زمینه در آیات فراوان خداوند متعال مکرر به آدمیان پاداش معنوی نعمت‌های بهشتی را وعده می‌دهد تا برای دستیابی به آن تحریک شوند و با انگیزه‌ی خدایی عمل صالح انجام دهند... ﴿وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۵)، قرآن کریم با ترسیم حیات طیبه و نشان دادن راه وصول به آن، از روش‌های گوناگون به منظور ایجاد انگیزه در انسان برای وصول به هدف بهره برده است. یکی از روش‌های مهم برای ایجاد انگیزه و تحریک

ارادهٔ انسان‌ها برای انجام کارهای نیک، تشویق یا تبشیر در مقام عمل است، یکی از کارهایی که قرآن، انسان را به انجام آن تشویق کرده است، انفاق است، خداوند در قرآن به شیوه‌های گوناگونی به انفاق امر کرده است، برخی مفسران که در ابتدای تفسیر هر سوره غرض‌های آن را بیان می‌کنند، در ابتدای برخی سوره‌ها، که بیشتر به بحث انفاق پرداخته‌اند، یکی از اغراض آن سوره را تشویق مردم به انفاق در راه خدا بیان نموده‌اند. ابن‌عاشور یکی از هدف‌های سورهٔ حدید را تشویق به انفاق در راه خدا ذکر کرده و اینکه مال از بین می‌رود و برای صاحبش چیزی جز آنچه در جهت رضای خدا انفاق کرده باقی نمی‌ماند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۲/۲۷)، همچنین در بیان اغراض سورهٔ منافقون می‌نویسد: این سوره با موعظهٔ مؤمنان و تشویق آنها به انفاق و ذخیره‌سازی برای آخرت قبل از رسیدن مرگ پایان یافته است (همان، ۲۰۹/۲۸).

آیت‌الله جوادی آملی هم آیهٔ ۱۱۱ توبه را برای انفاق تشویق‌آمیز می‌داند و در تحلیل راز آن می‌نویسد: این گونه تعبیرها برای تشویق مؤمنان به انفاق است و گر نه کسی که توفیق جهاد با جان و مال نصیبش می‌شود، در حقیقت، آنچه را از دست خدا به عنوان امانت یا عاریت گرفته است در راه او مصرف می‌کند و نه چیزی از خود را؛ زیرا جان و مال او ملک حقیقی خداوند است، بنابراین تعبیرهایی چون فروختن مال و قرض دادن مال به خداوند برای ترغیب انسان‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۸۹/۱۱)، قرآن کریم با ارائه این بینش که اعضای جامعه بسان یک جسم هستند و با ایجاد حس نوع دوستی و احساس مسئولیت در قبال اعضای جامعه افراد را با انگیزش درونی به از خود گذشتگی و ایثار نسبت به هم‌نوعان ترغیب و تشویق می‌کند. قرآن از اقدامات خیرخواهانه و نوع دوستانه و بشردوستانهٔ افراد با واژه احسان تعبیر می‌کند و برای آن پاداش چند برابر و غیر قابل توصیفی در جهان آخرت وعده می‌دهد بنابراین یکی از راهکارهای مهم برای ایجاد انگیزه در انسان‌ها تشویق کسانی است که عملکرد مطلوب دارند و از اموال خود در راه خداوند به نیازمندان انفاق می‌کنند، چرا که تشویق و قدردانی، در روح آدمی اثر مثبت می‌گذارد و او را به انجام عمل نیک ترغیب می‌کند، و به او انگیزه می‌بخشد تا بیشتر انفاق کند. تبشیر نیز از جمله راهکارهایی است که انسان را به انجام انفاق ترغیب می‌کند، دانستن اجر اخروی و بشارت‌هایی که قرآن در برابر انفاق داده است عاملی است برای انگیزهٔ بیشتر افراد برای انفاق.

۵-۳-۲- تحذیر یا انذار

انذار به معنای ترساندن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۷/۴)، و بر حذر کردن از دست زدن به کاری، از اصول مهم حاکم بر کارهای انسان‌ها، در کنار تشویق و ترغیب، اصل دوری از عقاب و شقاوت و بدبختی و مجازات است، قرآن کریم در آیات متعدد انسان‌ها را از خطرها و عذاب‌هایی که در صورت سرپیچی از فرمان خداوند متعال دامنگیر آنها خواهد شد بر حذر می‌دارد ﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْتٌ بَلْوَةٌ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَيُسَّسُ الْمِهَادُ﴾ (آل عمران ۱۲/۱). بیان این نوع عذاب‌ها و عقاب‌ها که جنبه ترس و تهدید دارند، در رفتار انسان مؤثرند؛ زیرا همان‌گونه که بیان پاداش در انسان برای رسیدن به آن ایجاد انگیزه می‌کند، وعده به عقاب نیز انگیزه ترک کارهای حرام را برای انسان پدید می‌آورد تا به عذاب اخروی گرفتار نشود، به تصویر کشیدن کیفری که در انتظار بخیلان است می‌تواند بر رفتار انسان‌های دیگر اثر بگذارد و باعث تنبیه و بیدارسازی آنها می‌شود و سوق دهنده به کارهای نیک می‌باشد، البته باید به این نکته توجه داشت که چون پاداش‌ها و عقاب‌های قرآن قطعی‌الصدور هستند، تنها کسانی از آن بهره‌مند می‌شوند که به خدا ایمان داشته و عمل صالح انجام دهند. خداوند در قرآن می‌فرماید: خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند.

۵-۳-۳- اسوه‌سازی و الگوپردازی

در کتاب فرهنگ علوم اجتماعی الگو به معنای مدل، گونه و هنجار تعریف شده است (بیرو، ۱۳۸۰: ۲۴۱)، الگوی تربیتی نیز که در فرهنگ اسلامی از آن به اسوه، امام و شاهد تعبیر می‌شود، عبارت از شخص یا جامعه‌ای است که می‌تواند آینه یا تبلور عینی یک مکتب یا نظام فکری باشد (الفتی، ۱۳۹۵: ۸)، در تحلیل چگونگی اثرپذیری انسان از الگوها می‌توان گفت انسان به دلیل فطرت کمال‌خواهی، اهداف و آرزوهایی دارد زمانی که با الگویی رو به رو می‌شود و کمال مطلوب خویش را در او می‌یابد از نظر عاطفی نوعی نزدیکی و هماهنگی میان خود و الگو می‌بیند، از سوی دیگر، احساس نیاز به آن کمالی که در الگو هست، سراسر وجود الگوپذیر را فرا می‌گیرد، بدین سان می‌توان گفت یکی از کارآمدترین روش‌ها در تربیت انسان، روش الگویی است که بیش

از هر روش دیگری می‌تواند بر اخلاق و رفتار فرد مؤثر باشد، در کتاب انسان‌ساز و هدایت‌کننده قرآن، خداوند متعال این روش ارائه نمودن الگو را مورد توجه قرار داده و پیامبر ﷺ را به‌عنوان الگو معرفی می‌کند ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب/ ۲۱)، در این روش باید رفتارها و کردارهای مطلوب برای افراد نمایش داده شود تا مطابق با آن عمل نمونه، حالت نیکویی در افراد دیگر پدید آمده و به پیروی از او پردازند، این حالت، اسوه نام دارد و در گرو پیروی از عمل مزبور است و در این صورت می‌توان گفت که در این عمل، اسوه خوبی برای فرد وجود دارد، در نتیجه انسان به فطرت خود که عشق به کمال مطلق است، الگوپذیر و الگوظلب است و بدین سبب یکی از مؤثرترین راهکارها در گسترش انفاق معرفی الگوهای مناسب می‌باشد.

۵-۳-۴- بیان سیره و روش اهل بیت درباره انفاق

منظور از سیره تربیتی معصومین علیهم‌السلام عبارت از رفتارهایی است که در مقام تربیت دیگران انجام می‌شود، بنابراین، هر رفتاری که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام انجام داده‌اند تا شناخت‌ها، باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مطلوب را در دیگران پرورش دهند، سیره تربیتی آنها را تشکیل می‌دهد (داودی، ۱۳۸۷: ۱۳)، بهره‌گیری از سیره بزرگان، سنت بشری است که هر قوم و ملتی، آداب و عادات، حرکات و سکنات، کردار و گفتار بزرگان خود را به عمل گذاشته و به‌صورت شئون ملی و رسوم اجتماعی درآورده است (نیک کار، ۱۳۸۷: ۵)، تردیدی نیست که شخصیت عظیم اسوه‌های دینی در همه زمینه‌های زندگی، الگو و اسوه‌اند، به گونه‌ای که اگر همه انسان‌ها از آن سرمشق بگیرند به‌طور قطع سعادت هر دو جهان را به‌دست خواهند آورد، شناخت و معرفی حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پیشوایان علیهم‌السلام و نیز دسترسی به چنین انسان‌های والاست که مسلمانان را از گمراهی نجات می‌دهد و در مسیر صحیح زندگی قدم بر می‌دارند از آنجایی که مردم جامعه، اهل بیت را به‌عنوان الگوی کامل پذیرفته‌اند، راه و روش آن گرامیان برای مردم از اهمیت والایی برخوردار است به این جهت بیان سیره و سخن آنان تأثیر به‌سزایی در تمایل مردم به سوی انفاق خواهد داشت. معصومین علیهم‌السلام در مناسبت‌های مختلف با

نشان دادن اهمیت فقرزدایی در سیره عملی خود، برای درمان این پدیده شوم، راه‌های روشنی را نشان داده‌اند، آن بزرگواران با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون مانند: انفاق، قرض الحسنه، کار و تلاش و... وارد صحنه می‌شدند و با کمک به مستمندان جامعه، مبارزه عملی خویش را برای فقرزدایی در پیش می‌گرفتند، بدین گونه به پیروان خود می‌آموختند که تنها با سخن گفتن و دادن طرح و برنامه صرف نمی‌توان برای نابودی فقر قیام کرد، بلکه در عمل باید گره این کار را گشود. یکی از رفتارهای عملی معصومین علیهم‌السلام در مبارزه با فقر، انفاق و یاری رساندن به مستمندان جامعه بوده است، به عنوان نمونه: امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:

«وقتی بدن پدرم را غسل می‌دادیم، یاران حضرت در سجده‌گاه و پشت حضرت، آثاری را دیدند، به من گفتند: اثر سجده معلوم است، ولی آن چه در پشت آقا دیده می‌شود، مربوط به چیست؟ در این حال، محمد حنفیه گفت: اگر پدرم زنده بود، چیزی نمی‌گفتم، ولی اکنون که از دنیا رفته است، شرح می‌دهم. پدرم هر روز يك یا چند نفر مستمند را غذا می‌داد و شب‌ها پس از جدا کردن سهم خانواده خود، باقی مانده را در انبانی می‌گذاشت، آنگاه پس از به خواب رفتن مردم، انبان را به دوش می‌گرفت و در کوچه‌های مدینه راه می‌افتاد تا مواد خوراکی را میان مستمندان آبرودار تقسیم کند، آنان حضرت را نمی‌شناختند و کسی جز من از این کار آگاه نبود؛ چون پدرم، دوست می‌داشت (برای رضای خدا) پنهانی و با دست خود صدقه بدهد» (مجلسی، بی‌تا: ۱۸۹/۴۴).

در روایت دیگر می‌خوانیم: «امام سجاد علیه‌السلام شب‌ها پس از تاريك شدن هوا و به خواب رفتن مردم، از جا برمی‌خاست و هر چه غذا در خانه بود، جمع می‌کرد، آنگاه آن را در ظرفی از پوست (انبان) قرار می‌داد و در حالی که صورت خود را پوشانیده بود، آن را بر دوش می‌گرفت و میان فقیران تقسیم می‌کرد، فقیران همیشه منتظر آن حضرت بودند و وقتی ایشان را می‌دیدند، به یکدیگر بشارت می‌دادند که صاحب انبان آمد» (آجرلو و منصوریان، ۱۳۹۵: ۲/۲۵۸)، این نمونه‌های عینی، رفتاری و مدل‌های قرآنی و دینی می‌توانند سرمشق خوبی برای افراد باشد، رفتار این بزرگواران از بدو تولد تا آخرین مراحل زندگی همچون رفتار با فقرا و نیازمندان، می‌تواند عبرت‌آموز باشد و اگر در اسلام توصیه می‌شود که مسلمانان سیره ائمه اطهار و معصومین علیهم‌السلام را مطالعه کنند و

به آن عمل کنند منظور این است که شیوه رفتاری آنها را در زندگی عملی الگو و سرمشق قرار دهند.

در نتیجه با مطالعه در سیره اهل بیت علیهم‌السلام درباره انفاق مال و برخورد با فقرا و بیان آن برای اقشار مختلف جامعه می‌توان انگیزه‌ای برای افراد ایجاد کرد.

۴-۵- راهکارهای عملی

منظور از راهکارهای عملی، راهکارهایی است که فعالیت‌های اقدام‌گرایانه در بعد فردی و اجتماعی را شامل می‌شود و نمود عملیاتی پررنگ‌تری در جامعه دارد و به نوعی به پیاده‌سازی مسائل ایدئولوژیکی و نظری مکتب اعم از مباحث اعتقادی، فرهنگی و تربیتی می‌پردازد.

جوامع از نهادها و سازمان‌های گوناگونی تشکیل شده‌اند که هر یک کارکرد ویژه‌ای در گسترش فرهنگ انفاق دارند، نهادها ساختارهایی اجتماعی‌اند که به درجه بالایی از انعطاف‌پذیری رسیده‌اند و از عناصر فرهنگی، شناختی، هنجاری و تنظیمی تشکیل شده‌اند که به همراه فعالیت‌ها و منابع مرتبط، به زندگی اجتماعی ثبات و معنا می‌بخشند (همان، ۶۹)، برخی از نهادها و سازمان‌ها با کارکرد معرفت‌افزایی و آگاهی‌بخشی و برخی دیگر با کارکرد نظارتی در درونی‌سازی و برونی‌سازی انفاق در جامعه نقش ایفا می‌کنند. نهادهایی مانند حوزه، دانشگاه و مدارس می‌توانند با تحلیل و توجیه آثار و فواید انفاق نقش بسزایی برای افزایش آگاهی و معرفت اعضای جامعه در زمینه فواید و کارکرد انفاق داشته باشند، روحانیون با انجام دادن امور تبلیغی و مشاوره‌ای، محققین با تولید آثار مکتوب و سخنرانان با تشریح نیازمندی جامعه به مشارکت در امر انفاق می‌توانند در گسترش آن مؤثر باشند، پس از بیان ضرورت انفاق و اقدامات کلی که می‌تواند در گسترش انفاق و به تبع آن کاهش فقر مؤثر باشد به بیان چند راهکار در این زمینه می‌پردازیم:

۴-۵-۱- به‌کارگیری حداکثری ظرفیت رسانه

در یک جامعه دینی، باید همه نهادها، سازمان‌ها و همه ارکان حکومتی تلاش و کوشش خود را صرف تحقق دین و ارزش‌های دینی و اخلاقی نمایند، در این میان

رسانه ملی در نظام اسلامی که عاملی تأثیرگذار و فرهنگ ساز است، وظیفه‌ای مهم دارد، در واقع رسانه ملی در نظام اسلامی هم باید فضایل و ارزش‌های اخلاقی را ترویج کند و هم به عنوان رسانه‌ای الگو، انسان ساز و تأثیر گذار در برابر رذایل اخلاقی و ارزش‌های غیردینی، موضع منفی بگیرد.

در ایران تلویزیون به عنوان رسانه ملی، نهادی بی رقیب، زنده و پویاست که می‌تواند با سنجش، گسترش و آموزش اندیشه‌های نو و ساختاری در واقع وجدان اجتماعی افراد را بیدار کند و با آشنا ساختن آنان به اهمیت مسایل اخلاقی و اجتماعی آنان را برای شرکت در زندگی عمومی و مشارکت همه جانبه در همراهی نهادهای دولتی جهت دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار آماده می‌کند، به ویژه آنکه در این زمانه، بهره گیری مردم از رسانه یکی از نیازهای روزانه زندگی به شمار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۴).

رسانه همگانی در جامعه دینی باید با فعالیت در چارچوب نظام معنایی توحیدی و تعهد به آموزه‌های دین، به گونه‌ای عمل کند که فطرت آدمی را بیدار نگاه دارد و به مخاطب خود انگیزه کافی برای گزینش الگوهای مناسب با سبک زندگی دینی ببخشد، گام مقدماتی برای در پیش گرفتن چنین رویکردی، آشنایی دقیق و درست برنامه ریزان، سیاست گذاران و مجریان رسانه با روح حاکم بر آموزه‌های اسلامی است (فاضل قانع، ۱۳۹۲: ۲۲۹).

از اقدامات مؤثر رسانه در گسترش انفاق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تبدیل داستان‌های تربیتی و آموزنده قرآن به فیلم‌های جذاب نمایشی که از نظر الگوسازی و الگوپردازی برای مردم تأثیرات گسترده‌ای دارد (داستان ثعلبه / قارون / صاحبان باغ / داستان بخشش امام علی علیه السلام در حال نماز، معرفی منفقان از طریق سیما، مصاحبه با آنها، تهیه سریال تلویزیونی از زندگی منفقان بزرگ تا به عنوان الگو در جامعه مطرح شوند و تشویقی برای کسانی که به انفاق اهمیت می‌دهند، به تصویر کشیدن آثار عمل به انفاق در رفع فقر و حل مشکلات مردم و گسترش دانش نیز می‌تواند از اقدامات مؤثر رسانه باشد، ترسیم آثار انفاق در تعالی مقام دنیایی و معنوی منفق و شادابی و رضایت مندی وی از عمل به این امر الهی و نیز نمایش دادن حسرت

وافسوس آنان که انفاق نکرده‌اند، نقل آرای مذاهب فقهی اسلامی در مسایل مربوط به انفاق از طریق برنامه‌های تلویزیونی و آموزش به مردم در زمینه انفاق و اینکه چرا و چگونه انفاق کنند، این آموزش می‌تواند هفته‌ای یک شب به مدت بیست دقیقه در یکی از شبکه‌ها پخش شود، در این برنامه با دعوت از مدرسان حوزه علمیه قم و مراجع تقلید فواید، مقاصد و نحوه اجرا و مصارف انفاق را برای مردم مشخص کنند (صفری، ۱۳۹۶: ۵۲).

۵-۴-۲- حمایت و توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مشارکت است، بی‌تردید تحقق، پیشرفت و توسعه کشورها مستلزم بهره‌گیری از استعداد، توان و حضور فعالانه مردم و مشارکت آنهاست در این زمینه اگرچه نهادها و تشکل‌های مختلفی وجود دارد ولی مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه بهره‌گیری از مشارکت فعال و همه‌جانبه مردم در روند توسعه، سازماندهی و بکارگیری سازمان‌های مردم‌نهاد و یا همان «سمن‌ها» می‌باشد، سازمان‌های مردم‌نهاد یک مجموعه افراد هم‌هدف و داوطلب با گرایش‌های غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیراقتصادی گفته می‌شود که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه دور هم جمع شده و طبق ضوابط و قوانین خاصی به انجام فعالیت‌های مشخص می‌پردازند (آجرلو و منصوریان، ۱۳۹۵: ۱۸).

بنیان و اساس تشکیل سمن بر پایه خودجوش افراد یک جامعه است، سمن به خواست جامعه، از بین افراد جامعه توسط جامعه و برای جامعه تشکیل و تأسیس می‌شود، این سازمان‌ها برای مردم، پذیرفته شده است و یکی از دلایل پذیرفته شدن این سازمان‌ها از سوی افراد جامعه مردمی بودن آنهاست که وجه تمایز آنها با سازمان‌های دولتی و سیاسی است، بدون تردید گروه‌هایی که از دل مردم بیرون آمده باشند و مسائل و مشکلات جامعه را لمس کرده باشند و از نزدیک با آنها درگیر بوده باشند مسلماً در رفع مشکلات جامعه توانمندتر و قدرتمندتر عمل خواهد کرد، از آنجا که سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل از دولت و به‌صورت خودگردان مدیریت می‌شوند و جزو نیروهای جامعه مدنی محسوب می‌شوند می‌توان اذعان کرد که هر چه سازمان‌های غیردولتی در

یک کشور قوی‌تر و منسجم‌تر عمل کنند شاهد یک جامعه مدنی قوی و تأثیرگذار در آن کشور خواهیم بود، به‌جرات می‌توان گفت که یک جامعه مدنی سالم و پیشرفته در قالب سازمان‌های مردم‌نهادی که در آن جامعه فعالیت می‌کنند متبلور می‌شود (همان، ۳۵).

در نتیجه با توجه به کارکردهای وسیع این سازمان‌ها و فعالیت‌های گسترده آنها، توسعه این مؤسسات و حمایت از آنها می‌تواند به‌عنوان راهکاری در گسترش امور خیر از جمله انفاق باشد و از آنجا که در ایران سمن‌ها نسبتاً پویا بوده و مراحل ابتدایی رشد و بلوغ خود را طی می‌کنند بنابراین ضروری است که هم سازمان‌های مردم‌نهاد در پویایی، بالندگی و مدیریت مناسب و ارائه خدمات مطلوب به هم‌نوعان بکوشند و هم دولت و مسئولین در این مسیر به آنها مساعدت کنند.

۵-۴-۳- قدردانی از خیرین نیکوکار

در آموزه‌های اسلامی، قدردانی و شکرگزاری از جایگاه رفیعی برخوردار است به گونه‌ای که آیات و روایات متعددی در فضیلت و ضرورت آن ذکر شده است، واژه شکر و مشتقات آن در قرآن کریم، بیش از ۷۰ بار به کار رفته است (عبدالاقی، ۱۳۸۴: ۳۲)، قرآن کریم ضمن اینکه شاکر (بقره/۱۵۸)، و شکور (فاطر/۳۰)، را از نام‌های خدا دانسته، فرموده است: ﴿... وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (آل عمران/۱۴۴)، در جای دیگر شکرگزاری را معیاری برای عبودیت می‌داند (بقره/۱۷۲)، به تبع قرآن مجید، روایات متواتر و فراوانی در باب شکر و قدردانی وجود دارد، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: روز قیامت خداوند متعال به بعضی از بندگانش می‌فرماید: آیا شکر فلان کس را به‌جا آوردی؟ عرض می‌کند: پروردگارا شکر تو را به‌جا آوردم، خداوند می‌فرماید: چون شکر او را به‌جا نیاوردی شکر مرا هم به‌جا نیاورده‌ای سپس می‌فرماید: اَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ اَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ (کریمی، ۱۳۸۵: ۹۹/۲)، شکرگزارترین شما در پیشگاه خداوند کسی است که از زحمات مردم بیشترین قدردانی را به‌عمل آورد.

سپاسگزاری و قدردانی از افرادی که با فداکاری و ایثار، در پیشبرد اهداف انسان دوستانه هم‌نوعان خویش تلاش می‌کنند، یک عامل بسیار مهم در تحرک افراد و

پویایی جامعه است، بالشکر تَسْتَجِلِبُ الزِّيَادَةَ (تمیمی آمدی، ۱۳۷۵: ۲۹۷)، علامه طباطبایی در تفسیر آیه ﴿...وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۱۵۸) می‌فرماید: و شکر به این معنا است که شخصی که مورد احسان کسی قرار گرفته، احسان او را تلافی کند، یا صرفاً احسانش را با زبان اظهار کند که تو چنین و چنان کردی و یا با عمل آن را تلافی کند... (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۸۶/۱).

بنابراین سپاسگزاری، منحصر در شکر خداوند نیست، بلکه افزون بر تشکر و سپاس از خدا که صاحب تمام نعمات ظاهری و باطنی است، زحمات و خدمات آن دسته از هم نوعان خویش که وسیلهٔ ایصال نعمت یا منشأ بروز خدمات سودمند بوده‌اند نیز تشکر و سپاسگزاری کرد که هم سپاسگزاری نسبت به اقدامات خداپسندانه و هم تشویق برای ارائهٔ خدمات هر چه افزون‌تر آنان است، بنابراین هر کس از زحمات و خدمات ارزشمند دیگران تشکر کند، بهره بیشتری از خدمات آنان نصیب وی خواهد شد (الفتی، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

از این منظر حاکمیت اسلامی موظف است که نسبت به خیرین و نیکوکاران قدردان باشد و با معرفی و اکرام این عزیزان، هم راهی را برای انفاق‌های بعدی بگشاید و هم انگیزه‌ای برای دیگر افراد جامعه برای انفاق ایجاد کند.

۴-۴-۵- اختصاص ایام خاصی در سال برای انفاق‌های عمومی

از دیر باز رسیدگی به فقرا و محرومان در جوامع بشری مرسوم بوده و بسته به فرهنگ و آداب و رسوم و دیدگاه‌های مردم، حاکمان آن جوامع اقدام به حمایت از محرومان می‌نمودند. هم‌اکنون نیز در کشورهای مختلف بسته به نوع حکومت، تحت عناوین مختلف وزارت رفاه اجتماعی، نهادهای خیریه دولتی و سازمان‌های حمایتی غیر دولتی، سعی در شناسایی علل، عوامل و راهکارهای عملی در زدودن چهرهٔ فقر و تنگدستی در جوامع خود دارند، در کشور اسلامی ایران نیز به دلیل اعتقادات مذهبی، محرومیت‌زدایی از اهمیت خاصی برخوردار است و در این راستا سازمان‌های دولتی و غیردولتی متولی این امر مهم بوده‌اند. کمیته امداد امام خمینی علیه السلام یکی از نهادهایی است که در سال‌های پس از انقلاب در خدمت به محرومین موفقیت چشم‌گیری داشته

است، این نهاد در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز کرده و اقدام به شناسایی نوع و میزان محرومیت در جوامع شهری و روستایی نموده است و با جمع آوری کمک‌های مردمی و اعتبارات دولتی اقدام به حل مشکل و رفع نیاز محرومان نموده است و به فرموده امام خمینی علیه السلام از دستاوردهای انقلاب اسلامی است. کمیته امداد فعالیت خود را در حیطه‌های مختلفی انجام می‌دهد، از جمله فعالیت‌های این نهاد، برگزاری جشن نیکوکاری و جشن عاطفه‌هاست، جشن نیکوکاری برنامه‌ای است که هر ساله در نیمه دوم اسفند ماه در آستانه سال نو به منظور جمع آوری هدایا و کمک‌های مردمی و سپس توزیع آنها در بین محرومان اجرا می‌شود و جشن عاطفه‌ها برنامه‌ای است که هر ساله در نیمه دوم شهریور و در آستانه بازگشایی مدارس و توزیع آنها در بین دانش آموزان نیازمند اجرا می‌شود، با توجه به تأثیرات زیاد این کارها در گسترش انفاق می‌توانیم با برنامه‌ریزی دقیق، تشویق مردم به شرکت در این مراسم، آگاه کردن مردم به نتایج آن و جلب اعتماد مردم در پرشکوه‌تر برگزار شدن این جشن‌ها و شرکت گسترده مردم اثرگذار باشیم، از طرفی می‌توان این روزها را با مناسبت‌های مختلف افزایش داد تا انفاق در جامعه هرچه بیشتر گسترش یابد (انصاری، ۱۳۹۵: ۹۹).

نتیجه‌گیری

اگر در جهان امروز بحران اجتماعی و معیشتی مشاهده می‌شود به سبب کم‌رنگ شدن انفاق در جامعه است. از طرفی فطرت انسان‌ها بر زندگی اجتماعی سرشته شده است و آنان بدون زندگی اجتماعی و تعاون و همکاری یکدیگر نمی‌توانند آن گونه که بایسته است، به زندگی خود ادامه دهند، اسلام نیز زندگی اجتماعی را بر اساس اصل تعاون و همکاری پایه‌گذاری کرده و با استفاده از ارزش‌هایی مانند: ایثار و بذل و بخشش در جامعه، استواری بنیان‌های آن را فراهم آورده است، پس به جاست که با گسترش این اصل اخلاقی در جامعه، پیشرفت روزافزون جامعه را شاهد باشیم، بتوانیم از فاصله طبقاتی در جامعه بکاهیم جامعه‌ای علی‌گونه و پر از عدل و داد داشته باشیم، امید است نوشتار حاضر به برکت آیات قرآنی و احادیث اهل بیت علیهم السلام که راهنمای

مباحث و زینت بخش آن شده، مفید واقع گردد و در جهت تشویق و ترغیب خوانندگان محترم به انفاق مؤثر افتد و بدین وسیله د رتوسعه آموزه‌های قرآنی با بهره مندی از راهنمایی‌های معصومین علیهم‌السلام در سطح جامعه توفیقی حاصل شود تا هم خوانندگان گرامی از فواید و پاداش‌های ارزنده دنیوی و اخروی انفاق برخوردار گردند و هم آلام نیازمندان تخفیف یابد و فضای تعاون و مساوات در جامعه اسلامی مان گسترش یابد.

کتاب‌نامه

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق، مصحح، عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر والتنویر المعروف، تفسیر ابن عاشور، چاپ اول، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰.
۴. انصاری، ناصر، نقش کمیته امداد امام خمینی در احیای ارزشهای اسلامی، رواق اندیشه، ۱۳۹۵.
۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ بیستم، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۶. آجرلو و منصوریان، مصطفی، تشکیلات و بایسته‌های حقوق داخلی و بین المللی سازمان‌های مردم نهاد، تهران، پژوهاک عدالت، ۱۳۹۵.
۷. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ دوم، تهران، مدرسه، ۱۳۸۵.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، محقق، بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵.
۹. بروجردی، مهدی، اسلام و مستمندان، مصحح، سید احمد سجادی جزئی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه، ۱۳۹۵.
۱۰. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم، باقر ساروخانی، چاپ چهارم، تهران، کیهان، ۱۳۸۰.
۱۱. بیستونی، محمد، "ازدواج از دیدگاه قرآن و سنت"، تهران: بیان جوان، ۱۳۸۴.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق، مصحح، سید مهدی رجائی، دار الکتاب الإسلامی، بی تا.
۱۳. تهنوی، محمد علی بن علی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، مترجم، عبدالله خالدی، جورج زیناتی، چاپ اول، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰.
۱۵. —، عبدالله، جامعه در قرآن، چاپ سوم، قم، اسراء، ۱۳۸۹.
۱۶. —، ولایت، فقهت و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۸.
۱۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق، مصحح احمد عبدالغفور عطار، چاپ اول، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶.

۱۸. حسینی دشتی، سیدمصطفی، معارف و معاریف، جلد ۷، چاپ اول، قم، دارالفکر، ۱۳۹۳.
۱۹. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد، "الحیة"، ترجمه، احمد آرام، ۱۴۳۲.
۲۰. خلیلیان اشکذری، محمد جمال، "شاخص های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام"، چاپ اول، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
۲۱. خمینی، روح الله، صحیفه امام، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.
۲۲. داودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول، قم، مؤسسه چاپ زیتون، ۱۳۸۷.
۲۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، "اصل عدالت اجتماعی"، بی جا.
۲۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، محقق، صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲.
۲۶. راوندی، قطب الدین محمد بن هبة الله، قصص الأنبياء، تحقیق، غلامرضا عرفانیان یزدی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۷. زرنگاری، بتول، "آثار اجتماعی انفاق از دیدگاه قرآن"، چاپ اول، تهران، طلوع باران، ۱۳۶۶.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، مصحح، مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷.
۲۹. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورش نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، تهران، دوران، ۱۳۸۸.
۳۰. شرف الدین، حسین، "مفاهیم و دیدگاه های نظری در حوزه فرهنگ و اقتصاد"، قم، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۳.
۳۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، مصحح، صبحی صالح، هجرت، بی تا.
۳۲. صفری، مرتضی، تأثیرات رسانه ها بر گستره عمومی جامعه، چاپ اول، تهران، ساکو، ۱۳۹۶.
۳۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح، فضل الله طباطبایی و هاشم رسولی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۵. ظاهری، مهنازو ذاکر، عبدالله، شیوه های تأثیر بر افکار عمومی، چاپ اول، تهران، فارسیران، ۱۳۹۵.
۳۶. عالم زاده نوری، محمد، راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
۳۷. عبدالاقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، چاپ ششم، قم، قدس، ۱۳۸۴.
۳۸. عروسی حویزی، محمد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵.
۳۹. عصام رودسری، عبدالله، "آشنایی با توابع و متغیرهای اقتصادی مؤثر بر مبانی اشتغال" ساری، شلفین، ۱۳۹۳.
۴۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سی و یکم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۴۱. فاضل قانع، حمید، سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی، چاپ اول، قم، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۲.
۴۲. الفتی، علی احمد، مبانی جامعه شناسی، چاپ دوم، تهران، هم پا، ۱۳۹۵.
۴۳. فخر رازی، محمد، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.

۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹.
۴۵. فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹.
۴۶. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير الرافعی، چاپ دوم، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴.
۴۷. قطب، سید، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵.
۴۸. کریمی، یوسف، روانشناسی اجتماعی، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق، علی اکبر غفاری و محمدآخوندی، بیروت، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷.
۵۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، محقق، جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۷.
۵۱. محمدخانی، زینب، نقش علم و ایمان در خودسازی از دیدگاه قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳.
۵۲. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، چاپ اول، تهران، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹.
۵۳. مسعودی، عبدالهادی، روابط اجتماعی از نگاه قرآن، چاپ اول، دارالحديث، ۱۳۹۳.
۵۴. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، محقق، محمد حسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۵۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰.
۵۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ هفتم، تهران، صدرا، ۱۳۸۴.
۵۷. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران، زرین، ۱۳۸۶.
۵۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۵۹. ناصح علوان، عبدالله، "تکافل اجتماعی از دیدگاه اسلام"، ترجمه، محمد صالح سعیدی، احسان، ۱۳۸۶.
۶۰. نگارش، حمید، "راههای تقویت باورهای دینی"، قم: نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۶.
۶۱. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۶.
۶۲. نیک کار، علی، الگوسازی و الگوپذیری از سیره امام حسین علیه السلام، چاپ اول، تنکابن، کارپی، ۱۳۸۷.
۶۳. واعظی نژاد، حسین، آینده‌ای بهتر در پرتو انفاق، چاپ اول، تمنا، ۱۳۹۲.
۶۴. وطن دوست، رضا، عمل در قرآن، چاپ اول، تهران، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۲.